

دوفصلنامه‌ی پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۱

## چالش‌ها و موانع معادل‌یابی در برگردان‌های عربی به فارسی

✽ دانا طالب‌پور<sup>۱</sup>

## چکیده

ترجمه یکی از مهم‌ترین شیوه‌های انتقال پیام و برقراری ارتباط بین زبان‌ها، است. ارائه ترجمه مناسب و پیام دقیق نیازمند اصول و قواعدی است که در برخی موارد پایبندی دقیق به اصل زبان مبدأ، غیر از زیان‌هایی که به زبان مقصد وارد می‌آورد، نوعی پیچیدگی، ناآشنایی و ابهام در نثر ترجمه به بار می‌آورد و سبب می‌شود تا متن مبدأ زیبایی و حلاوت خود را از دست بدهد. برای رفع این مشکل، یکی از فنون کاربردی استفاده از شیوه‌های مختلف معادل‌یابی است؛ اما علیرغم وجود استفاده از این فن، در برخی موارد مترجمان زبان‌ها و مخصوصاً مترجمان زبان عربی و فارسی با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که امر ترجمه را بر آن‌ها بسیار سخت و دشوار می‌کند. وجود اشتراک لفظی، واژگان دخیل، تفاوت در خانواده زبانی و ابهام‌های دستوری بین دو زبان، یکی از عمده‌ترین دلایلی است که در صورت عدم آگاهی مترجمان و مخصوصاً بیگانگان با این زبان، از آن رنج خواهند برد. در این مقاله با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، کوشش شده است، ضمن ارائه تعریفی کوتاه از مفهوم معادل‌یابی و فنون آن، به بررسی مهم‌ترین این چالش‌ها و موانع پیش روی مترجمان، پرداخته شود و در پایان مشخص شد: تفاوت ساختاری زبان فارسی و عربی، ابهام واژگانی، ابهام دستوری، تعدد بافت معنایی، وجود واژگان دخیل، اختلاف در خانواده زبانی یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد مانع در انتقال معنای دقیق و تمام‌رخ از زبان مبدأ است که آگاهی مترجمان از این مقوله‌ها، می‌تواند راهگشایی مناسب پیش‌روی آن‌ها باشد.

**کلمات کلیدی:** ترجمه، معادل‌یابی، چالش‌ها، عربی، فارسی

<sup>۱</sup> دکترای تخصصی، استادیار، دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران،

ایران. danatalebpour@gmail.com

تاریخ درخواست ۱۴۰۱/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

## ۱. مقدمه

ترجمه از نظر لغوی عبارت است از تغییر یک حالت یا شکل به حالت یا شکل دیگر، برای برگرداندن آن به زبان خود یا دیگری، بر این اساس، ترجمه اساساً تغییر شکل است؛ یعنی شکل زبان مبدأ جای خود را به شکل زبان مقصد می‌دهد. همچنین ترجمه از نظر اصطلاحی عبارت است از برگرداندن نوشته یا گفته‌ای از زبانی به زبان دیگر با هدف انتقال معنا. این کار با تغییر زبان مبدأ به شکل زبان مقصد و از طریق ساختار معنایی انجام می‌شود. آنچه منتقل می‌شود و باید بماند، معناست و در واقع، تنها شکل تغییر می‌کند. انتظاری که از مترجم می‌رود، این است که با کمترین آسیب، معادل مناسب را انتخاب کند؛ زیرا واژگان یک زبان از شمول و وسعت معنایی یکسانی برخوردار نیستند. واژگان مختلف ممکن است با یکدیگر هم معنا باشند، اما نمی‌توان همیشه آن‌ها را به جای هم به کار برد (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۹۸).

زبان اعم از اینکه باید ابزاری برای ایجاد ارتباط میان انسان‌ها باشد، یا نظامی از نشانه‌ها تلقی گردد، دست کم شش عامل در آن دخالت دارد. این عوامل عبارتند از: فرستنده، گیرنده، پیام، مجرای ارتباطی، موضوع و رمزگان. البته می‌توان موقعیتی را که کلام در آن بیان می‌شود را به این عوامل افزود. همه این عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا معنی در قالب شکل بگیرد و پیامی از سوی گوینده یا نویسنده به شنونده یا خواننده منتقل گردد. به همین سبب، کلام باید آنقدر شفاف و واضح باشد که بتواند مقصود گوینده یا پیام را به راحتی منتقل کند (انصاری‌پور، ۱۳۹۶: ۷۴)؛ زیرا هر نوع ارتباط زبانی مبتنی بر همکاری است. گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده باید در همکاری دائم با یکدیگر باشند. چنانچه این همکاری نباشد، ارتباط صورت نخواهد گرفت؛ زیرا ارتباط سالم و کامل، چهار شرط دارد. این شرط‌ها عبارت است از: کمیت، کیفیت، ربط و شیوه بیان. چنانچه این چهار شرط رعایت شود، شنونده یا خواننده به راحتی خواهد توانست منظور گوینده یا نویسنده را درک کند و به پیام ارسالی پاسخ دهد. (صلح‌جو، ۱۳۸۸: ۱۶).

مقایسه متون در زبان‌های گوناگون مسلماً نیازمند نظریه معادل‌یابی است. تعریف، ارتباط و کاربرد معادل‌یابی در ترجمه بسیار بحث‌برانگیز بوده و نظریه‌های گوناگون و بی‌شماری از مفهوم معادل‌یابی ارائه کرده است. معادل‌یابی متن، به معادل‌یابی میان متن زبان مبدأ و متن زبان مقصد برحسب اطلاعات و انسجام اشاره دارد. متن مشخصه بسیار مهمی در ترجمه است؛ زیرا رهنمودهای مفیدی را برای درک مطلب و بررسی متن مبدأ مهیا می‌کند که می‌تواند به مترجم در تلاشش برای ایجاد یک متن منسجم و مرتبط برای خواننده متن مقصد در یک بافت خاص کمک کند. این وظیفه مترجم است که تصمیم بگیرد آیا انسجام و ارتباط متن زبان مبدأ را حفظ کند یا خیر. تصمیم وی بر اساس سه عامل اصلی اتخاذ می‌شود: خواننده زبان مقصد، هدف از ترجمه و نوع متن. (ولی‌پور، ۱۳۸۲: صص ۷۱-۷۲).

شاید بتوان پرسید چرا به راهی نرویم که متن مبدأ رفته است و چرا جمله را مانند متن مبدأ آرایش نکنیم؟ در جواب باید گفت: اگر افسار نثر ترجمه را به متن مبدأ بسپاریم و مقید به پیمودن پیچ‌وخم‌هایی باشیم که در متن مبدأ وجود دارد، غیر از زیان‌هایی که به زبان مقصد وارد می‌آورد، نوعی پیچیدگی، ناآشنایی و ابهام در نثر ترجمه احساس خواهد شد و از آن بوی ترجمه شنیده می‌شود. رعایت ترتیب جمله‌های پایه و پیرو در زبان مبدأ و ویژگی‌های ساختاری و دستوری آن نیز از مسائلی است که در ذهن چنین فردی حک شده است، گویی متن عربی همچون قطاری است که مترجم را بر روی خط آهنی که برای آن طراحی شده به پیش می‌برد، بی‌آنکه مترجم بتواند تغییر یا انعطافی در شیوه یا مسیر حرکت به وجود آورد. حال آنکه مترجم این چنین دست‌وپا بسته نیست و حق دارد تغییر یا انعطافی را در شیوه

حرکت به وجود آورد؛ تغییرهایی که مقصد و هدف را عوض نمی‌کند، بلکه به شیوه رسیدن به هدف تنوع می‌بخشد و باعث می‌شود خواننده با سرعت، انگیزه و تحسین بیشتری متن را بخواند. در این مقاله سعی بر آن است تا به بررسی مهم‌ترین چالش‌های معادل‌یابی در ترجمه از عربی به فارسی پرداخته شود.

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات زیادی درباره فرایند ترجمه و معادل‌یابی صورت گرفته است. مهم‌ترین این پژوهش‌ها عبارتند از: - «بررسی نظریات معادل‌یابی در ترجمه» (ولی‌پور، متن‌پژوهی ادبی: ۱۳۸۲) در این اثر نویسندگان به بررسی تاریخچه معادل‌یابی و نظریات و مدل مفهومی آن در دیدگان نظریه‌پردازان شاخص جهانی پرداخته‌اند.

- «کاربرد اصل تعادل ترجمه‌ای واژگان در فرایند ترجمه قرآن» (میرحاجی و دیگران، ادب عربی: ۱۳۹۰). در این اثر نویسندگان ضمن اشاره به اهمیت معادل‌یابی واژگان، توجه به لایه‌های مختلف معنایی، از جمله معناهای ارجاعی، تقابلی، ضمنی، آحاد معنایی، همایشی، سبکی، صرفی و آوایی واژگان را در فرایند معادل‌یابی امری کاملاً ضروری دانسته‌اند و یکی از ضعف‌های موجود در ترجمه‌های قرآن را پابندی اشتباه مترجمان به معنای معجمی الفاظ قرآن دانسته‌اند که باعث ارائه ترجمه‌ای سطحی از آن می‌شود.

- «تعادل بافتی در ترجمه از عربی به فارسی با رویکرد کاربرد شناختی» (ترکاشوند، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی: ۱۳۹۲). در این اثر نویسنده به نقش زبان‌شناسی کاربردی و توجه به بافت غیر زبانی؛ به‌ویژه موقعیتی را یکی از جنبه‌های مهم و درخور توجه در انتقال جنبه‌های فرامتنی پیام دانسته‌اند.

- «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند «معادل‌یابی معنوی» (بررسی موردی رمان السُّکْرِیَّة) (طهماسبی و جعفری، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی: ۱۳۹۳) در این اثر نویسندگان، فرایند ترجمه و معادل‌یابی واژگانی، اصطلاحی، ادبی و معادل‌یابی اشتراکات لفظی را با تکیه بر اصول معادل‌یابی همچون آحاد معنایی، تنوع و حذف مورد بررسی قرار داده‌اند.

اما از آنجا که تبیین مقوله معادل‌یابی و چالش‌ها و موانع پیش روی مترجمان این عرصه نیازمند بررسی و دقت نظر بیشتری است، جستار حاضر بر آن شد تا با دیدی دقیق‌تر به این موضوع نگاه کند و تحقیق مستقلی در این راستا ارائه دهد و پاسخ مناسبی برای پرسش‌های زیر بیابد:

### ۱-۲. پرسش‌های تحقیق

۱. معادل‌یابی چیست و فرایند ترجمه چه ارتباطی با آن دارد؟

۲. چه نکاتی در دستیابی به یک معادل دقیق باید مدنظر مترجمان قرار گیرد؟

۳. مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مترجمان در معادل‌یابی و ترجمه از عربی به فارسی چیست؟

### ۱-۳. فرضیه‌های تحقیق

- وجود اختلاف‌های ساختاری زبان عربی و فارسی از عوامل اثرگذار در دشواری انتقال معنا است.

- برخی از عوامل چون؛ ابهام واژگانی، ابهام دستوری، تعدد بافت معنایی، از مهم‌ترین موانع و چالش‌های پیش روی مترجمان این دو زبان در فرایند ترجمه به شمار می‌روند.

### ۱-۴. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای بوده است و به دنبال آن است با تکیه بر مؤلفه‌های مهم ساختاری زبان فارسی و عربی و تدقیق و بررسی روابط موجود بین این دو زبان، به راهکاری شایسته در انتقال معانی و مقاصد زبان عربی به زبان فارسی دست یابد و فراروی چراغ مترجمان قرار دهد.

## ۲. بحث

### ۲-۱. ترجمه و اهمیت آن

ترجمه از ریشه «رجم» به معنای «سنگ‌پرانی» است (راغب الإصفهانی، ۱۴۱۲ ق.: ماده رجم) و به عبارتی، برگرداندن گفتار یا نوشتار از زبانی به زبان دیگر است (انوری، ۱۳۸۱: ماده ترجمه). ترجمه در اصطلاح، انتقال معنی کلام از زبانی به زبان دیگر است، به شیوه‌ای که همه معانی و مقاصد منظور در متن اصلی را متضمن باشد (ر.ک؛ سلماسی‌زاده، ۱۳۶۹: ۱۱).

کت فورد (Catford) ترجمه را چنین تعریف می‌کند: «جایگزینی مواد متنی در یک زبان (زبان مبدأ) با مواد متنی معادل در زبان دیگر (زبان مقصد)» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۴: ۶۶).

ترجمه به‌عنوان یک فعالیت هدفمند در راستای انتقال مفاهیم و پیام زبان مبدأ به زبان مقصد و برقراری ارتباط بین زبان‌ها، دیرگاهی است که به‌صورت علمی مورد مطالعه قرار گرفته است. با روی کار آمدن مطالعات ترجمه در غرب، جهش خیره‌کننده‌ای در پیشرفت این شاخه از علم زبان‌شناسی پدید آمده است. آنچه تمام مکاتب مختلف ترجمه در پی آن هستند، دستیابی به ترجمه‌ای دقیق به همراه امانت‌داری و انتقال همه جنبه‌های ظاهری و معنایی پیام زبان مبدأ است. ارزش ترجمه آنگاه روشن می‌شود که به‌عنوان حلقه اتصال میان فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، باعث انتقال مؤلفه‌های فرهنگی، ادبی و علمی می‌گردد. یوجین ناید (Nida)، زبان‌شناس برجسته و معروف در تعریف ترجمه می‌گوید: «ترجمه عبارت است از بازآفرینی نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان مقصد، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک». (ناید، ۱۹۸۲ م: ۱۲).

اما با وجود نقش انکارناپذیری که ترجمه در ارتباطات فرهنگی و علمی ایفا می‌کند، گاهی ممکن است نارسایی آن یا تسلط نداشتن مترجم به برخی مؤلفه‌های زبانی در زبان مقصد، نتیجه معکوس و منفی داشته باشد که می‌توان این ناسازواری را در برخی متون ترجمه شده در دوره‌ها و زبان‌های مختلف مشاهده نمود.

### ۲-۲. معادل‌یابی در ترجمه و اهمیت آن

معادل‌یابی، ترجمه‌های مختلف یک واژه یا تعبیر است که به ذهن مترجم خطور می‌کند و در یک متن ممکن است چند نوع معادل‌یابی داشته باشیم و اگر مهارت معادل‌یابی وجود نداشته باشد، ترجمه‌ای گنگ و مبهم ارائه می‌شود.

با نگاهی به فرایند ترجمه می‌توان گفت: ترجمه فرایند جایگزینی عناصر متن زبان مبدأ به‌وسیله عناصر متن زبان مقصد است؛ به‌گونه‌ای که عمل جایگزین‌سازی، خود زمینه‌ای را برای تعامل و تأثیر متعادل بین نویسنده متن اصلی و خواننده متن ترجمه شده فراهم سازد. (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۰: ۷۰).

از این‌رو، اختلاف در شیوه بیان مفاهیم در دو زبان مبدأ و مقصد بدیهی و گریزناپذیر است. هنر مترجم آن است که این تفاوت‌ها را بشناسد و تشخیص دهد که اهل زبان مقصد برای ارائه مفاهیمی که در قالب کلمات و تعابیر زبان مبدأ آمده است از چه بیان و تعبیری استفاده می‌کنند.

از جمله نکاتی که هر مترجم باید آن را مورد دقت قرار دهد، آگاهی از معانی مختلف یک واژه یا تعبیر است که باید متناسب با زبان مقصد باشد؛ در بافت‌های مختلف، معانی مختلف وجود دارد و فقط یک مترجم تیزبین به آن پی می‌برد. یافتن معادل برای کلمات و تعابیر زبان مبدأ مستلزم آشنایی کافی مترجم با زبان مادری خویش و ویژگی‌های فرهنگی آن است؛ به عبارت دیگر مترجم باید در برخورد با عناصر بیانی زبان مبدأ همواره استعمال اهل زبان مقصد را مدنظر قرار دهد و از خود پرسد در زبان مقصد، چنین مفهومی در چنین موقعیتی چگونه بیان می‌شود؟ (ناظمیان، ۱۳۹۳: ۷۷)

مترجم برای یافتن معادل برخی از کلمات و تعابیر زبان مبدأ می‌تواند از فرهنگ‌های دوزبانه کمک بگیرد، اما معادل‌یابی برای همه الفاظ و تعابیری که در متن اصلی آمده، از طریق فرهنگ‌های دوزبانه امکان‌پذیر نیست و او باید باهوش و درایت و تجربه خود برای قالب‌های بیانی زبان مبدأ معادلی در زبان مقصد بیابد. هر چه تجربه مترجم در کار بیشتر باشد، سرعت و صحت کار وی در این نوع معادل‌یابی افزایش می‌یابد. (همان: ۷۸)

اصل معنا‌یابی در حقیقت، چیزی است که بخش اعظم فرایند ترجمه در آن خلاصه می‌شود. مترجم از ابتدا تا انتهای ترجمه سرگرم معادل‌های مناسب و صحیح از زبان مقصد برای واژه‌ها، مفاهیم و جمله‌های متن مبدأ است. در نهایت، چنانچه معادل‌های انتخابی نسبت به اصل خود در زبان مبدأ از هر حیث مطابقت کند، متن ترجمه شده همان تأثیری را بر خواننده می‌گذارد که متن اصلی بر خواننده خود گذاشته است و در این صورت، ترجمه پذیرفتنی است و مترجم کاری مفید و مؤثر ارائه کرده است؛ بنابراین، ترجمه روندی چندبعدی از دریافت، تعبیر و تفسیر است که ما را از متنی در زبان مبدأ به متنی تا حد امکان برابر آن در زبان مقصد می‌رساند. شرط این کار، درک معنای واژه‌ها، محتوا و سبک متنی است که پیش رو دارد. (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۳)

درواقع طی فرایند ترجمه، مترجم در دنیای نویسنده و دنیای خواننده قرار می‌گیرد و حاضر نیست هیچ‌یک را فدای دیگری کند. نویسنده با تعبیرها و مفاهیم خود دائماً مترجم را به دنیای خود می‌کشاند، اما خواننده نیز مرتباً بر او نهیب می‌زند که پیام‌ها به زبانی قابل‌فهم برای او ارسال می‌شود. تعادلی که مترجم باید بین متن این دو برقرار کند، شبیه تعادلی است که بندباز روی طناب برقرار می‌کند. مترجم خوب کسی است که از عهده این تعادل ظریف برآید و ترجمه خوب آن است که بین تر (زبان مبدأ) و آنتی تر (زبان مقصد) سنتزی متعادل برقرار کند. (پورجوادی، ۱۳۷۶: ۱۷-۲۴).

### ۲-۳. فنون معادل‌یابی در ترجمه

در ابتدا باید گفت: هر ترجمه‌ای آمیزه‌ای است از «معادل‌های پویا» (قالب ناپذیر) و معادل‌هایی که «قالب‌پذیر» هستند. معادل‌های قالب‌پذیر معادل‌هایی هستند که اصولاً دارای ویژگی ثابت و همیشگی می‌باشند و می‌توان مستقل از شرایط، همین معادل‌ها را انتخاب کرد و در شرایط مختلف قابل استفاده هستند؛ مانند همه اسامی خاص، اعداد و ارقام، نام‌های جغرافیایی، نام روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها، نمایشنامه‌ها و فیلم‌ها، نام شرکت‌ها و مؤسسه‌های خصوصی، نام مؤسسه‌های دولتی و نیز نام خیابان‌ها و نشانی‌ها و ... بدین ترتیب، معادل‌های قالب‌پذیر معادل‌های اجباری هستند که همیشه و در هر شرایطی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. برعکس، معادل پویا آفرینشی است در ارتباط با شرایط و به عبارت بهتر، موقت است؛ زیرا هر بار کشف می‌شود. (کردوانی، ۱۳۶۷: ۵۶-۵۸) بنابراین این معادل‌های پویا هستند که قابل تغییر هستند و پژوهش حاضر درصدد آن است نکات کلیدی در این باره و شیوه‌های انجام آن را بیان کند. هدف از شیوه‌های

معادل‌یابی آن است که سلطه و سیطره متن اصلی بر خواننده کم شده یا از بین برود. هر چه تجربه و مهارت مترجم در کار برگرداندن از زبان اصلی بیشتر باشد و هر چه آشنایی بیشتری با موضوع متن داشته باشد، در رهایی از تأثیر متن اصلی بر متن ترجمه موفق‌تر است. در اینجا به مهم‌ترین فنون این اصل اشاره می‌شود:

۱. اولین نکته‌ای که هنگام معادل‌یابی واژگانی مدنظر قرار می‌گیرد، این است که مترجم معادل‌های مختلف یک واژه یا ترکیب یا تعبیر را در گنجینه ذهن خود بیاید و آن‌ها را یک‌به‌یک هم‌نشین واژه مورد نظر در متن قرار دهد ببیند که کدامیک از این معادل‌ها سازگارتر و طبیعی‌تر است و با روح زبان فارسی هماهنگی بیشتری دارد. (همان: ۶۰)؛ به‌عنوان مثال «تدابیر آمریکیه جدید» را در عنوان خبر در نظر بگیرید. نمی‌توان گفت: «تدابیر تازه آمریکا» زیرا در مطبوعات ایران، تدابیر معمولاً با کلمه امنیتی هم‌نشین است و ترکیب «تدابیر امنیتی» به گوش ما آشنا تر است. لذا از کلمات دیگری نظیر چاره‌اندیشی‌ها، راهکارها، سیاست‌ها و برنامه‌ها استفاده می‌کنیم. هرچند ممکن است برخی از آن‌ها دقیقه معادل «تدابیر» نباشند، ولی هماهنگ‌تر و طبیعی‌تر به نظر می‌رسند.

۲. وقتی مترجم با یک کلمه یا یک ساختار دستوری در متن مبدأ برخورد می‌کند، اگر حدود معنای کلمه را بداند، بی‌درنگ به ذهنش می‌رسد که معمولاً اولین معنای آن کلمه است، ولی اگر اندکی دقت و تأمل به خرج دهد و گنجینه ذهن خود را بکاود، به معادل‌های دیگری برخورد می‌کند که هرچند اندکی از معنای اولیه کلمه دور می‌شوند، اما زیبا و درعین‌حال، طبیعی هستند و به شیوایی و استواری نثر کمک می‌کنند. برای آنکه مراحل جستجو و کنکاش در لایه‌های ذهن احساس گردد و به‌نوعی بتوان آن را تجربه کرد، به مثال‌های زیر که غالباً بیانی تصویری، کنایی و استعاری دارد، توجه گردد. شایان ذکر است که اول معادل سوم و چهارم با توجه به بافت متن انتخاب شده است و ثانیاً همه این معادل‌ها اگر در جای خود به کار رود، می‌تواند درست باشد:

(الف ب)

فی هذا المضمار	علی مدار الساعة
در این میدان	در طول شبانه روز، شبانه روزی
در این زمینه	بیست و چهار ساعته
در این راستا	بی‌وقفه
به همین مناسبت	-----

بنابراین، به معادل‌یابی در سطح اولین لایه ذهن اکتفا نمی‌کنیم و اولین معادل را که به ذهن ما می‌آید، نمی‌نویسیم، بلکه با کنکاش در گنجینه حافظه، معادل‌هایی زیباتر و مناسب‌تر را می‌یابیم. (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۶: ۸۴)

۳. توجه به بافت جمله: معادل‌سازی برای تعابیر، معمولاً با توجه به بافت جمله صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که مترجم ببیند در قالب بیانی یا ساختاری که در زبان فارسی برای ترجمه جمله عربی انتخاب می‌کند، چه معادلی برای تعبیر مورد نظر، مناسب‌تر است. (همان: ۹۵). به این جمله توجه کنید: «إن المنطقه تتطلع إلى موقف دولي متوازن يحدد الأشياء بمسمياتها لا الدوران عليها». «تتطلع» به معنای «چشم می‌دوزد» است، اما با توجه به بافت جمله فارسی، «امید بستن» مناسب‌تر است. «يحدد الأشياء بمسمياتها» به معنای هر چیزی را به مفهوم آن - نه با ظاهر آن - سنجیدن است. «همه چیز را به‌درستی تعریف کردن» و «واقع‌گرایانه برخورد کردن» معادل‌هایی است که با توجه به بافت جمله به ذهن می‌رسد.



«الدوران علی شیء» به معنای «دور زدن چیزی و فریب دادن و نیرنگ زدن» است. به این ترجمه پیشنهادی دقت کنید که چگونه معادل‌ها بر اساس بافت متن انتخاب شده است: «منطقه به موضع‌گیری متعادل امید بسته است که واقع‌گرایانه باشد نه فریبکارانه!».

۴. آگاهی مترجم از اختلاف‌های دقیق معنایی میان کلمات و مترادف‌های نزدیک (کبیری، ۱۳۷۴: ۸۰).

نمونه آن تفاوت معنایی واژگان به‌ظاهر مترادف در عربی است؛ مانند: «عشّ لانه زمینی»، «وکر: لانه زمینی»، «وکن: لانه پرنده در شکاف دیوارها و کوه‌ها»، «جحر: لانه مار».

۵. استفاده از معادل‌های آشنا در زبان فارسی که یکی از شیوه‌های روان‌سازی متن ترجمه است. معادل آشنا معادلی است که شاید در فرهنگ‌های لغت ذکر نشده باشد و معنای مستقیم و لفظ به لفظ عبارت زبان مبدأ نباشد، ولی مترجم اطمینان دارد که این معادل، منظور نویسنده را به‌خوبی می‌رساند و علاوه بر این، باعث روانی و شیوایی متن می‌شود. به این جمله و ترجمه‌های آن توجه کنید:

– «لأنه ثبت مع الأيام أن «إسرائيل» لا تفهم إلا لغة المساءلة والعقاب».

الف) زیرا با روزها ثابت شده است که اسرائیل جز زبان بازجویی و مجازات را نمی‌فهمد.

ب) تجربه نشان داده است که اسرائیل فقط زبان زور و قدرت را می‌فهمد.

برای تعبیر «ثبت مع الأيام» چنین معادل‌هایی به ذهن می‌آید:

الف) با روزها ثابت شده است.

ب) گذشت روزگاران ثابت کرده است.

ج) زمان نشان داده است.

د) تجربه نشان داده است.

از این میان معادل چهارم که در زبان فارسی آشنا تر و طبیعی تر است، با اندکی دقت و حوصله به ذهن می‌آید.

در ادامه و با توجه به اقتضای بحث، به مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مترجمان این دو زبان اشاره می‌شود:

## ۴-۲. چالش‌های معادل‌یابی در برگردان از عربی به فارسی

در این بخش به مهم‌ترین چالش‌ها و موانع معادل‌یابی در برگردان از عربی به فارسی پرداخته می‌شود.

### ۴-۲-۱. ابهام واژگانی

جنبه قاموسی یا واژگانی (Lexical) زبان نیز به‌ویژه در زبان عربی محل ایجاد ابهام فراوانی است. یکی از انواع این نوع ابهام که ابهام انتقالی یا ابهام در ترجمه نامیده می‌شود زمانی است که یک واژه زبان مبدأ بتواند بالقوه به بیش از یک واژه در زبان مقصد ترجمه شود. (فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۹). مهم‌ترین تمایز زبان طبیعی با زبان‌های مصنوعی این است که واژه در زبان طبیعی ممکن است بیش از یک معنا داشته باشد، لذا یک جمله می‌تواند تفاسیر متعدد بپذیرد.

### ۴-۲-۲. اشتراک لفظی

این امر در زبان عربی ناشی از مسائل متعددی است که به برخی از آن‌ها در کتب فقه اللغة با عنوان «اشتراک لفظی» اشاره شده است و زبان عربی از این حیث بسیار متفاوت و غنی است. از جمله دلایل وجود اشتراک لفظی در این زبان می‌توان این موارد را برشمرد: وجود لهجه‌های بسیار از قدیم که منجر به وجود معنای مختلف برای یک واژه در نزد

آن‌ها می‌شد، تحول آوایی واژگان در طول تاریخ، کثرت معانی ثانوی یا مجازی در عربی و تغییرهای صرفی که منجر به یکسانی ظاهری دو لفظ از ریشه مختلف می‌گردد. (یعقوب، ۱۹۸۰ م: ۱۸۵-۱۸۶) لذا اشتراک لفظی در وهله اول به اختلاف خانواده‌های زبانی هندواروپایی و سامی در تولید واژگان مربوط می‌شود. (عبدالعزیز، ۲۰۰۳ م: ۲۶۶) که در زبان عربی و فارسی نیز این اختلاف خانواده در زبان ملموس است. اشتراک نه فقط در واژگان، بلکه در بسیاری از حروف و تکواژهای دستوری نیز به نحو قابل توجهی وجود دارد که تمییز آن‌ها گاهی صاحبان زبان را نیز در صورت کم‌اطلاعی به دستور، دچار مشکل می‌کند، واژگانی چون؛

ما	شرطیه، موصوله، استفهامیه، تعجیبیه، مصدریه، زائده، حرف نفی غیر عامل، نفی شبیه به لیس، حرف کافه، نکره تامه
أیّ	اسم شرط، اسم استفهام، موصول، وصلیه، کمالیه
من	شرطیه، استفهامیه، موصوله، نکره موصوفه، زائده
لا	ناهییه، عاطفه، نافییه، شبیه به لیس، نفی جنس، حرف جواب، حرف زائد
لـ	ابتدائیه، مزحلقة، امر، جواب، موطنه، قسم، جر، تعلیل، جحد، استغاثه، بُعد، تعجب، زائده، فارقه
و	قسم، واو ربّ، اعتراضیه، معیّیه، عاطفه، استینافییه، واو بحسب، ما قبل، لصوق، و ...
ف	عطف، استیناف، ربط جواب شرط، سببیت، تعلیل، زائده، نتیجه و ...

موارد مذکور در بالا صرفاً نمونه‌ای از واژگان پر تعداد در زبان عربی است که دارای کارکرد و نقش‌های مختلف دستوری هستند و شناخت وجوه مختلف کاربرد آن‌ها، جایگاه و وجه تمایز هر یک از آن‌ها، نحو عربی را به یکی از دشوارترین نحوهای زبانی تبدیل کرده است. این امر ترجمه از عربی به هر زبان دیگر را برای مترجمان غیر مسلط به همه جوانب متعدد نحو عربی با مشکل مواجه می‌سازد. ابهام نوشتاری که پیش از این بدان اشاره شد، چالش کنونی را تشدید می‌کند.

### ۳-۴-۲. تعدد معنای بافتی

نکته‌ای مهم که به ویژه در ترجمه بین عربی و فارسی، مترجم را در برابر سلیلی از واژگان متعدد با معنای بسیار نزدیک قرار می‌دهد اینکه هر کلمه بافت زبانی و موقعیتی خاص خود را می‌طلبد. این امر گرچه در همه زبان‌ها وجود دارد، اما در زبان عربی از شدت و اهمیت بالایی برخوردار است؛ و به هیچ وجه در ترجمه یک فعل یا ترکیب نمی‌توان به معنای هسته‌ای آن اکتفا کرد. اشتباه‌های فاحش برخی مترجمین در توجه نکردن به معنای واژه، بر مبنای بافت زبانی، معادل‌یابی و برابر گزینی را به یک فن و چیرگی در امر ترجمه بدل کرده که اهتمام و تلاش بسیاری از جانب دانشجویان می‌طلبد تا به هیچ وجه به معنای ثبت شده در فرهنگ‌ها اکتفا نکنند و معادل‌های واقعی واژه و جمله را از بافت زبانی دریابند. صرفاً و در حد نمونه به مواردی از این گونه واژگان و به معنای متعدد آن از فرهنگ سودمند و پر کاربرد فرهنگ اصطلاحات معاصر (نجفعلی میرزایی) اشاره می‌گردد:

تحقیق	تحقق بخشیدن - محقق ساختن - تفحص - تفتیش - تحقیق - انجام - عملی کردن - رسیدگی کردن - تحقیقات - اثبات - پژوهش - بازجویی - بازرسی - بررسی
مَثَل	بازیگری کرد - مثال زد - تمثیل آورد - نشان داد - نمایندگی کرد - مجسم کرد - متبلور کرد - تصویر کرد - توصیف کرد - نقش ایفا کرد - به شمار رفت - تلقی شد - محسوب شد - به حساب آمد - شمرده شد
قَرَر	تصویب کرد - رأی داد - درصدد برآمد - تصمیم گرفت - مصمم شد - مقرر کرد - عزم کرد - جزم پیدا کرد - پایان داد - اثبات کرد - تأکید کرد - اعتراف گرفت - مجبور به اعتراف کرد - اقرار گرفت
استطلاع	گزارش - بررسی - تحقیق - کاوش - نظرسنجی - نظرخواهی - فراندن - کسب اطلاع - شناسایی - سنجش افکار - سنجش آرا.



### تحقیق:

- حقق نجاحه في فوزه على المشاكل. موفقیت خود را در پیروزی (غلبه) بر مشکلات به اثبات رساند.
  - تحقق هذه الدعوى يتطلب منك عدة وثائق. اثبات این ادعا نیازمند تعدادی مستندات است.
  - التحقيقات عن الجاني لا يزال مستمرا. بازجویی در مورد فرد مجرم همچنان ادامه دارد
  - أجريت تحقیقات بشأن ادعاءات التعرض للتعذيب وسوء المعاملة.
- تحقیقاتی درباره ادعاهای تعرض در برابر شکنجه و بدرفتاری صورت گرفته است.

### مثل:

- يمثل هذا الفنان دورا متميزا في عالم السينما: این هنرمند نقش برجسته‌ای را در عرصه سینما بازی می‌کند.
- عندما أراد المعلم أن يعلم التلاميذ مكانة العلم في الصغر مثل بهذه الجملة: «العلم في الصغر كالنقش في الحجر»: زمانی که معلم خواست جایگاه علم و دانش را در کودکی بیاموزد، این جمله را برای او مثال زد: علم در کودکی مانند نقاشی روی سنگ است»

- أربعة ممثلين لهذه الشركة يوجدون في العاصمة: چهار نماینده این شرکت در پایتخت هستند.
- قلة المياه في هذه المناطق تمثل أكبر تحدٍ للإنسان: کمبود آب در این مناطق بزرگترین تهدید برای انسان تلقی می‌شود.

### قرر:

- قرر أن يطرح موضوع السفر جانباً: تصمیم گرفت که موضوع سفر را کنار بگذارد.
  - قرر إنهاء عمله: تصمیم گرفت به کارش پایان دهد.
  - قرر رئيس مجلس الشورى الإسلامية هذه الاتفاقية بأكثرية: رئیس مجلس شورای اسلامی این پیمان‌نامه را با اکثریت آرا تصویب کرد.
  - قرر قاضي المحكمة المذنب على الاعتراف بذنبه: قاضی دادگاه مجرم را مجبور به اعتراف جرم کرد.
- استطلاع:

- استطلاع آراء العلماء كشف جانباً من هذه الحقيقة: نظر سنجی از دانشمندان گوشه‌ای از این حقیقت را برملا ساخت.
- حبُّ الاستطلاع كان من أهم ميزات البشر منذ أزمان سحيقة: حس کنجکاوی از مهم‌ترین مشخصه‌های انسان از زمان‌های بسیار دور بوده است.

- حسب الاستطلاعات الوافدة ستحصل حرب عيفة بين هذين الحزبين المتخاصمين: براساس گزارش‌های دریافتی به‌زودی جنگ سختی بین این دو گروه درگیر اتفاق خواهد افتاد.

چند مثال بالا نمونه‌ای از سیل واژگان پرکاربرد در بافت‌های زبانی و موقعیتی مختلف است که به‌سوی مترجم هجوم می‌آورد، گرچه برخی از این معادل‌ها تا حدود زیادی مترادف هستند، اما مترجم ناچار است بنا بر ساختار جملات زبان فارسی معادل مناسب برگزیند؛ امری که گاه وی را وادار می‌سازد واژه‌ای غیر از ده‌ها معادل ذکرشده در فرهنگ را از ذخایر ذهنی خویش انتخاب کند. چنین تلاش ذهنی و شناختی تا چه حد از یک سیستم هوشمند ترجمه برمی‌آید و تا چه حد می‌تواند آن را از دخالت بشر بی‌نیاز سازد؟!

## ۴-۲. واژگان دخیل

از جمله مسائل مهم دیگری که در ارتباط و تداخل دو زبان فارسی و عربی از نمود و برجستگی شدیدی برخوردار است، تداخل واژگانی و به اصطلاح واژگان دخیلی است که تا حد بسیار زیادی زبان فارسی را به لحاظ واژگانی از عربی متأثر ساخته است. این واژگان در طی دوره‌های مختلف و به صورت متداوم به فارسی وارد شده‌اند و برخی تغییر معنا نداده‌اند و در غالب متون، کاربرد معنایی مشابه عربی دارند، اما تعداد قابل توجهی از این واژگان نیز صرفاً صورت آوایی و نوشتاری یکسانی با اصل واژه در عربی دارند و معنا و کاربرد کاملاً متمایزی پیدا کرده‌اند. واژگان دخیل، فارسی‌زبانان را در امر آموزش زبان، کاربرد و نیز در ترجمه با مشکلاتی مواجه می‌سازد. در باب ترجمه متون عربی، وقوف مترجم به معنا و کاربرد واژه در دو زبان یا عدم کاربرد آن بسیار مهم است. با توجه به کثرت واژگان دخیل، برخی مترجمان به خود اجازه می‌دهند که اگر معنا و معادل فارسی واژه‌ای عربی را نیافتند، عیناً واژه را در متن فارسی بیاورند و به اصطلاح، متن حاصل، به اصطلاح ترجمه زده یا به اصطلاح، عربی زده می‌شود. از سوی دیگر، برخی مترجمین در انتخاب برابره‌های فارسی خود را ملزم به‌گزینش واژگان اصیل فارسی و به اصطلاح، زبان فارسی سره می‌کنند که علاوه بر فاصله گرفتن ترجمه از زبان معیار و امروزی، برخی خوانندگان را نیز در فهم ترجمه دچار مشکل می‌کند. لذا موضوع واژگان دخیل، چالشی خاص و مهم در ترجمه بین دو زبان عربی و فارسی است. حتی می‌توان گفت این چالش در ترجمه از فارسی به عربی بسیار حائز اهمیت و برجسته‌تر است؛ زیرا مترجم باید کاملاً به معنای تغییر یافته و متحول شده واقف باشد. تداخل زبانی از چالش‌های پیش روی یک مترجم بین این دو زبان است که آگاهی و شناخت ذهنی و جامعی در احاطه بر کاربرد واژگان در دو زبان را می‌طلبد و این توانایی برای یک ماشین ترجمه با هراندازه از هوشمندی، کمی زود به نظر می‌رسد و طراحان سیستم ترجمه بین این دو زبان باید آن را نیز مورد توجه قرار دهند. از بین صدها واژه، صرفاً برای نمونه موارد زیر ذکر می‌شود:

اصل واژه	معنا در زبان عربی	معنای تحول یافته در فارسی
ازدواج	متأهل شدن	دوگانگی
زبون	خریدار	خوار و پست
مخابرات	اداره اطلاعات و امنیت	اداره مخابرات
مجتمع	جامعه	سکونتگاه جمعی (آپارتمان)
ادویه	دارو	چاشنی غذا

- الازدواج سنه رسولنا الکریم: ازدواج سنت پیامبر بزرگ ما است.
- اتحاد مزدوج یک تساوی است که در یک طرف آن تفاضل دو جمله مربع وجود دارد و در طرف دیگر آن، حاصل ضرب دو عبارت.
- كان الزبون يساوم البائع لشراء الحقیقه: مشتری برای خریدن کیف با فروشنده چانه می‌زد.
- چون رعیت خوار و زبون بود.
- دائرة المخابرات العامة هي واحدة من وكالات الاستخبارات الأكثر أهمية في الشرق الأوسط: اداره اطلاعات و امنیت عمومی یکی از آژانس‌های خبری بسیار پر اهمیت در خاورمیانه است.
- برای وصل شدن ارتباط با تلفن با اداره مخابرات تماس گرفتیم.

- ساد المجتمع العراقي هالة من اليأس والقنوط: هاله‌ای از ناامیدی و یأس بر جامعه عراق چیره شد.
- در این مجتمع ۲۰ خانوار سکونت دارند.
- عليك أن تستخدم هذه الأدوية للشفاء الكامل: باید برای بهبودی کامل از این داروها استفاده کنی.
- استفاده از ادویه باعث لذیذ شدن طعم غذا می‌شود.

#### ۴-۲. تفاوت در خانواده زبانی

زبان عربی و فارسی، علیرغم مظاهر مشترک واژگانی، یک تفاوت اساسی دارند؛ تفاوتی که رمز ماندگاری زبان فارسی در اصطکاک متداوم با زبان عربی است و آن تفاوت خانوادگی می‌باشد. زبان عربی از خانواده زبان‌های سامی و زبان فارسی از زبان‌های اروپایی است؛ اما آنچه از این تفاوت، در ترجمه اثرگذار است، شیوه جمله‌بندی و قرار گرفتن برخی ارکان کلام، به‌ویژه فعل است. زبان فارسی تقریباً با جمله‌های اسمیه است و زبان عربی از هر دو نوع جمله اسمیه و فعلیه، به‌ویژه فعلیه است. نکته دیگری که منبعث از این تفاوت است، وجود قید تذکیر و تأنیث در زبان عربی است که گاهی مترجم را در تشخیص روابط ساختاری و ترجمه آن به فارسی که فاقد آن است، در تنگنا قرار می‌دهد.

نمونه برای تفاوت در ساختار جمله اسمیه و فعلیه:

«أنا أزورك في الأسبوع القادم» ← (اسمیه عربی) ← «هفته آینده شما را ملاقات می‌کنم» ← (فعلیه فارسی)

«صار الجوُّ بارداً» ← (فعلیه عربی) ← «هوا سرد شد» ← (اسمیه فارسی)

نمونه برای تفاوت مدلول الفاظ مذکر و مؤنث. «ثور: گاو / نر / بقرة: گاو ماده»، «جمل: شتر / نر / ناقه: شتر ماده»، «دیک: خروس / دجاج: مرغ»

#### ۴-۲. ابهام‌های دستوری

ابهام‌های دستوری در دو دسته صرفی و نحوی قابل بررسی است که تا حد زیادی به صورت مشترک در امر ترجمه مسئله‌ساز هستند. در باب ساخت واژه‌های عربی، امکان مشابهت نوشتاری و تلفظی برخی واژگان مانند اسم فاعل و اسم مفعول (مانند مختار) و برخی افعال (مانند تُفَعِّلُ = برای صیغه مؤنث غایب و مذکر مخاطب) و یا (قُلْنَ = ماضی جمع مؤنث و امر جمع مؤنث) و نیز برخی حالت‌های دیگر در کنار رسم الخط عربی تشدید می‌گردد؛ اما به لحاظ نحوی، زبان عربی با توجه به وجود برخی مکانیزم‌های دستوری، گستردگی و پیچیدگی برخی از آن‌ها و نیز پدیده مسئله‌ساز اعراب، یکی از دشوارترین زبان‌ها به لحاظ نحوی است. با توجه به جایگاه نحو در هر زبان و پیچیدگی‌های احتمالی آن، مهم‌ترین بخش یک سامانه مترجم ماشینی، تشخیص نقش کلمات در جمله و تشخیص معنای صحیح آن‌ها با توجه به متنی است که آن کلمه در آن قرار گرفته است. (شهابی، ۱۳۸۰: ۱۰). لذا مهم‌ترین چالش ترجمه درباره زبان عربی،

موضوع نحو عربی و قضیه اعراب است که این مشکل در ترجمه‌های ماشینی به نحو قابل ملاحظه‌ای تشدید می‌گیرد.

- أعضاء الفريقان توافقوا على حل المشاكل الموجودة بشكل سلمى: دو گروه با یکدیگر توافق کردند که مشکلات موجود را به روش مسالمت‌آمیزی حل کنند. ← توافقوا (فعل ماضی)

- أعضاء الفريقان توافقوا على حل المشاكل الموجودة بشكل سلمى: ای گروه‌ها! با یکدیگر توافق کنید که مشکلات موجود را به روش مسالمت‌آمیزی حل کنید. ← توافقوا (فعل امر)

- ذرني ومن خلقت وحيداً (مدثر: ۱۱)

(وحیداً) هم می‌تواند حال برای ضمیر منصوبی در «ذرنی» یا برای ضمیر مستتر در «خلقت» یا برای مفعول به مقلد در «خلقت» باشد.

حال برای مفعول «ذرنی»: مرا با آنکه من آفریدم، تنها بگذار. (حلبی، ۱۳۸۰: ۵۷۵)

حال برای فاعل «خلقت»: مرا با آن کسی که او را به تنهایی آفریده‌ام، واگذار. (أرفع، ۱۳۸۱: ۵۷۵)

حال برای ضمیر منصوب مقلد برای «خلقت»: مرا با آن که تنه‌ایش آفریده‌ام، واگذار. (آیتی، ۱۳۷۴: ۵۷۵)

### ۳. نتیجه

۱. ترجمه انتقال معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد است. این کار با تغییر شکل زبان اول به زبان دوم و از طریق ساختار معنایی انجام می‌شود. آنچه منتقل می‌شود و باید ثابت نگه داشته شود، معناست و فقط شکل تغییر می‌کند. از آنجاکه در روند ترجمه اولویت با انتقال معناست، مترجم باید کاملاً هوشیار باشد و هر زمان احساس کرد وفاداری به صورت متن کوچک‌ترین خللی در انتقال معنا وارد می‌کند، صورت را تغییر دهد و دست به تعدیل‌های مفید و سودمند بزند تا بتواند مأموریت خود را که همان انتقال درست معناست، به بهترین شکل ممکن انجام دهد.

۲. تفاوت ساختارهای دو زبان عربی و فارسی یکی از مهم‌ترین عواملی است که انتقال معنا را با دشواری روبرو می‌سازد که لازمه گذشتن از این مانع، تبدیل ساخت زبان مبدأ در لایه‌های مختلف آن، به ساختارهایی متناسب با زبان مقصد است. ماهیت زبان و تفاوت ساختارهای بین دوزبانها به مترجم این امکان را نمی‌دهد تا ترجمه‌ای ارائه کند که آینه تمام‌نمای متن زبان مبدأ باشد.

۳. ابهام واژگانی، ابهام دستوری، تعدد بافت معنایی، وجود واژگان دخیل، اختلاف در خانواده زبانی از مهم‌ترین موانع و چالش‌های پیش روی مترجمان عربی و فارسی در فرایند ترجمه به شمار می‌روند. توجه و آگاهی مترجمان این دو زبان از این مقوله‌ها، راهگشای آن‌ها خواهد بود تا بتوانند مفهوم متن را به بهترین شکل ممکن منتقل کنند.

## منابع

### کتاب‌ها

#### قرآن کریم

- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴). ترجمه قرآن کریم، چ ۴، تهران: سروش.
- أرفع، سید کاظم. (۱۳۸۱). ترجمه قرآن کریم، تهران: فیض کاشانی.
- پور جوادی، نصراله (۱۳۷۶)، درباره ترجمه (مجموعه مقالات)، تهران: نشر دانش و مرکز نشر دانشگاهی.
- حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن کریم، چ ۱، تهران: اساطیر.
- سلماسی‌زاده، جواد. (۱۳۶۹). تاریخ ترجمه قرآن در جهان. تهران: امیرکبیر.
- صلح‌جو، علی (۱۳۸۸)، گفتمان و ترجمه، چ ۳، تهران: نشر مرکز.
- کبیری، قاسم (۱۳۷۴)، اصول و روش ترجمه، چ اول، تهران: رهنما.
- لطفی پور ساعدی، کاظم، (۱۳۸۰)، در آمدی به اصول و روش‌های ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ناظمیان، رضا (۱۳۹۳)، روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران: سمت، چاپ هشتم.
- یعقوب، امیل بدیع (۱۹۸۶ م)، فقه اللغة العربیة و خصائصها، الطبعة الثانية، بیروت: دارالعلم للملایین.

### مقالات

- انصاری‌پور، کمال و دیگران. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن در زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات فارسی»، زیبایی‌شناسی ادبی، س ۱۵، ش ۳۴، صص ۷۳-۸۹.
- شهابی، امیر شهاب و عبدالحسین صراف زاده (۱۳۸۰)، «ترجمه ماشینی زبان فارسی؛ راهکارها و موانع»، مجله تازه‌های علوم شناختی، ش ۸ و ۹، صص ۹-۱۴.
- طهماسبی، عدنان و سعدالله همایونی و شیما صابری (۱۳۹۲)، «لایه‌های زبان و بافت بیرونی در تعادل ترجمه‌ای»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، شماره ۷، صص ۱۵۱-۱۷۶.
- طهماسبی، عدنان و جعفری، صدیقه. (۱۳۹۳). «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند معادل‌یابی معنوی (بررسی موردی رمان السکرية)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۴، ش ۱۰، صص ۹۷-۱۱۸.
- عبدالعزیز، نبیل علی (۲۰۰۳ م)، «المعجم من منظور الترجمة الآلية»، مجلة اللسان العربی، عدد ۵۵، صص ۲۶۳-۲۷۱.
- فلاحتی فومنی، محمدرضا و آزاده نعمتی (۱۳۸۳)، «انسان مترجم و ترجمه ماشینی؛ بررسی موردی مشکلات ماشین ترجمه انگلیسی به فارسی پدیده»، کتابداری و اطلاع‌رسانی، ش ۲۶، صص ۷۶-۸۹.
- کردوانی، کاظم (۱۳۶۷)، «ترجمه کردن را بیاموزیم»، فصلنامه ترجمه، شماره ۵.
- ولی پور، واله (۱۳۸۲)، «بررسی نظریات معادل‌یابی در ترجمه»، مجله زبان و ادب، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۸، صص ۶۲-۷۳.

### منابع انگلیسی

- Nida, E. A and Charles R. Taber. (1982). The Theory and Practice of Translation. Leiden: E.j. Brill
- Challenges and Barriers to Equivalence in Arabic to Persian Translations

## Abstract

Translation is one of the most important ways of transmitting messages and communicating between languages. Providing a proper translation and accurate message requires principles and rules that in some cases, strict adherence to the original source language, in addition to the damage it does to the target language, causes a kind of complexity, unfamiliarity and ambiguity in the translation prose. And it causes the source text to lose its beauty and sweetness. To solve this problem, one of the practical techniques is to use different equation methods; However, despite the use of this technique, in some cases, translators of languages, especially translators of Arabic and Persian, face challenges that make translation very difficult. The existence of verbal commonality, words involved, differences in the language family and grammatical ambiguities between the two languages is one of the main reasons that translators, especially foreigners, will suffer from this language if they are not aware of it. In this article, relying on the descriptive-analytical method, while providing a brief definition of the concept of equivalence and its techniques, an attempt has been made to examine the most important of these challenges and obstacles facing translators. In the end, it was found that the structural differences between Persian and Arabic, lexical ambiguity, grammatical ambiguity, multiplicity of semantic context, the presence of words involved, differences in the linguistic family is one of the most important factors hindering the transfer of accurate and complete meaning from the source language. Awareness of translators of these categories can be a good way forward for them.

Key words: Translation, Equivalence, Challenges, Arabic, Persian

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی